

● رمضان؛ ضربت متقابل

با رپوده شدن احمد متوسلین، در لبنان، مسؤولیت خطیر فرماندهی تیپ ۲۷ از جانب فرماندهی کل سپاه، به محمد ابراهیم همت واگذار شد. این اتفاق هم زمان بود با اعلام دستور فرمانده کل سپاه؛ مبنی بر بازگشت این تیپ به ایران و حضور در عملیات برون مرزی رمضان که در منطقه‌ی جنوب آغاز شده بود. این در شرایطی بود که تیپ ۲۷ برای حضور در صحنه‌ی عملیات از کمترین میزان آمادگی سازمانی و رزمی لازمه، برخوردار نبود. ضمن این که شاکله‌ی واحد تیپ، به سه بخش مجزا، تقسیم شده بود. عده‌ای در پادگان امام حسین (ع) سپاه تهران مستقر بودند، عده‌ای در پادگان زندانی سوریه و تعدادی از ایشان نیز عازم منطقه‌ی عملیاتی خوزستان شدند.

برادران ما به ناچار دوباره آمدند و در شرایطی که شاید کمتر از یک هفته با شروع این عملیات بزرگ [نبرد رمضان] فاصله داشتیم، به رغم تمامی کمبودها و مشکلات، مجدداً یگانی را با نام «تیپ ۲۷ محمد رسول الله (ص)» در منطقه‌ی جنوب، تشکیل دادند. همین واقعیت‌ها باعث شده بودند تا در روند امور تدارکاتی و تسلیح و تجهیز واحدهای عملیاتی این تیپ، یک مقدار نارسایی‌های طبیعی و اجتناب‌ناپذیر به وجود بیایند.^۱ به رغم تمامی این مشکلات، با فرماندهی محمد ابراهیم همت تیپ ۲۷ محمد رسول الله (ص) در مرحله‌ی سوم عملیات رمضان حضور پیدا کرد و توانست ضربات مهلکی را بر پیکر ماشین جنگی صدام وارد نماید. سعید قاسمی؛ جانشین واحد

رضا چراغی با اشاره به همین واقعیت می‌گوید: «... به علت جابه جایی‌ها، وقتی یگان ما به ایران برگشت، وضعیت یک تیپ تازه تأسیس را پیدا کرد. از هر حیث که فکرش را بکنید! تازه، در اکثر موارد، وضع ما از مقطعی که در بهمن سال گذشته [۱۳۶۰] از غرب به جنوب آمدیم و این تیپ تشکیل شد، بغرنج‌تر بود. چون تیپ ۲۷ بعد از حمله‌ی اسرائیل به سوریه و لبنان، تمام برنامه‌های خودش را در جبهه‌ی خوزستان به حالت تعلیق درآورده بود؛ بخش عمده‌ی خودروهای سنگین و سبک خودش. اعم از سازمانی و غنیمتی. را به سپاه منطقه‌ی ۸ اهواز تحویل داد و الباقی تجهیزات و امکاناتش را هم جمع‌آوری کرده و به سوریه برده بود. روی همین حساب، برادر حاج همت و سایر

اطلاعات و عملیات تیپ ۲۷ در آن ایام، پیرامون عملکرد این تیپ در مرحله‌ی سوم نبرد رمضان می‌گوید:

«... تیپ ۲۷ در مرحله‌ی سوم رمضان واقعاً کولاک کرد! برای خود من هم شب حمله‌ی مرحله‌ی سوم؛ خیلی شب عجیبی بود، طوری که در طول جنگ هشت ساله، مشابه آن را دیگر ندیدم! بچه‌های تیپ ما، در حمله‌ی شب عید فطر تعداد قابل توجهی از تانک‌های دشمن را زدند، آمارش را خودتان دارید دیگر. فقط یک قلم آن؛ گردان انصار تیپ ما، آن شب مقر تاکتیکی تیپ ۱۰ زرهی عراق را گرفت، فرمانده آن را کشت و کلیه‌ی تجهیزاتش را منهدم کرد. میزان انهدام تانک‌های ارتش عراق در شرق کانال پرورش ماهی؛ فوق‌العاده بالا بود. طوری که آن شب تا صبح، کل دشت مقابل کانال، روشن بود. تا جایی که من می‌دانم، به آن صورت اسیر و شهید ندادیم. شاید هیچ وقت دیگری مثل آن شب، من حاج همت را پشت بی‌سیم، مسرور و شاداب ندیدم. خیلی خوشحال بود. یادمانده؛ راه به راه پشت بی‌سیم از طرف گردان‌ها اعلام می‌شد ما پارک موتوری گرفتیم، تانک زدیم، غنیمت گرفتیم. حاجی هم خیلی خوشحال بود.

طوری شد که موقع عقب‌نشینی، شاید بیش از نصف تانک‌ها و تجهیزات دشمن را بچه‌ها با آر.پی.جی و حتی نارنجک دستی منهدم کردند. والا، اگر می‌شد آن جا بمانیم، می‌توانستیم تمام آن‌ها

۱. نوار مصاحبه‌ی راوی تیپ ۲۷ با سردار شهید رضا چراغی، مرداد ۱۳۶۱، اهواز.

